[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]

بررسی تطبیقی مسکن عشایر ایران

اسماعیل ضرغامی*

تاریخ دریافت مقاله: 1394/04/05
تاریخ پذیرش مقاله: 1395/02/05

چکیده

در دو سده گذشته بررسی‌های تطبیقی و گونه‌شناسی در علوم گوناگون از زیست‌شناسی گرفته تا معماری مطرح شده است. این بحث از لحاظ محتوایی اهمیتی در ردیف مباحث نظری پایه‌ای معماری مانند فضا، شکل و فرم یافته است. شناخت گونه‌ها در تمامی فعالیت‌ها، آثار مجسم، تکرارشونده و ریشه‌دار بشری می‌تواند کاربردی بس مؤثر داشته باشد. از این جهت در پژوهش حاضر قصد بر این است که آثار ارزشمند عشایر ایران با سابقه‌ای به قدمت تاریخ ایران مورد تفحص و جستجو قرار گیرد. سابقه تاریخی این اقوام نیز مسکن آنان را درخور توجه شایسته‌تر قرار می‌دهد. نکته دیگری که امروزه بررسی‌های مسکن عشایر ایران را حائز اهمیت و شایان توجه می‌نماید این است که امروزه نیاز به مسکن متحرک و غیردائمی برای اسکان موقت و غیر دائم به دلایل گوناگون ازجمله بحران‌های طبیعی، اجتماعی و مشابه رو به توسعه است. با عنایت به مسائل پیش‌گفته به‌نظر می‌رسد با مطالعه مسکن عشایری می‌توان تجربیات تاریخی مربوط به مسکن متحرک را ثبت و ضبط کرد. طبیعتاً مطالعه، بررسی و استخراج ویژگی‌های مسکن عشایر می‌تواند راهبردی برای معماران باشد. روش جمع‌آوری اطلاعات این تحقیق مطالعه اسنادی و برداشت‌های میدانی بوده و روش تحقیق با طبقه‌بندی و تحلیل محتوایی انجام می‌گیرد. در ادامه مقایسه تطبیقی براساس تفاوت‌های شکلی و کالبدی با توجه به فرهنگ قوم‌های متفاوت و جغرافیای زندگی آنان صورت خواهد گرفت. هدف جنبی پژوهش حاضر شناخت و بازخوانی مسکن عشایر با هدف طرح الگوی مناسبی برای مساکن متحرک و مورد استفاده در مواقع بحران است. چنین به‌نظر می‌رسد استفاده و تلفیق این اصول با تکنولوژی و فناوری‌های روز می‌تواند گامی در جهت غنای طراحی و اجرای مسکن متحرک و قابل‌حمل باشد. چه‌بسا که بتوان با تکیه به سنت و تجربیات تاریخی، راهی جدید و مؤثرتر در طراحی و تأمین مسکن متحرک، پیش‌ساخته، سبک‌سازی، ارزان‌سازی و سازگاری بیشتر با طبیعت گشود. رعایت اصولی از قبیل سازگاری حداکثری با محیط، سهولت واچینی و باز چینی و جابجایی، سرعت کار، استفاده از مصالح بومی و غیره از جمله نکات قابل توجه در گونه‌های مختلف مسکن عشایری است.

واژگان کلیدی: عشایر ایران، بررسی تطبیقی مسکن، بازشناسی، هویت.

* دانشیار دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی،تهران، ایران. ezarghami@srttu.edu

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]

مقدمه

شیوه زیست مبتنی بر کوچ (کوچندگی) از متقدم‌ترین اشکال حیات اجتماعی است که از واپسین دوران شکل‌گیری زندگی اجتماعی انسان‌ها تاکنون استمرار داشته است. از نظر الگوی زیست و استقرار، تعداد زیادی از جمعیت و جوامع عشایری، در زمره اجتماعات کوچنده و متحرک قرار می‌گیرند. هر جا جمعی تاریخی و با هویت فرهنگی خاص و شناخته شده وجود دارد قطعاً آثار اجتماعی و تجسمی آنان ارزش بررسی تطبیقی و طبقه‌بندی و گونه‌شناسی را دارد. عشایر ایران، ایل و قوم‌های متفاوتی هستند که از گذشته‌های دور در چهارگوشه سرزمین ایران زندگی می‌کنند. هنگام کوچ مسکن و مأوای خود را نیز با خود از منطقه‌ای به منطقه دیگر می‌برند. مسکن آنان با طرز زندگی و جغرافیای زیست‌شان به سازگاری رسیده است. بدین سبب شاید بتوان گفت کامل‌ترین نوع مسکن قابل‌حمل و متحرک را از سالیان قبل عشایر ایران داشته‌اند.

از گذشته‌های دور تاکنون، پهنه وسیعی از نواحی آسیای شرقی و مرکزی تا خاورمیانه و شمال آفریقا شاهد حضور و استقرار اشکال متعددی از زندگی توأم با کوچ و به‌خصوص شیوه زیست عشایر کوچنده بوده است(اکبری، 1383). از آن میان می‌توان به تعداد زیادی از اقوام و ایلات و عشایر کوچنده مستقر در کشورهای مختلف آسیای مرکزی، افغانستان و کشمیر، پاکستان، ایران، ترکیه، عراق، سوریه، تونس، عشایر صحرانورد و واحه نشین‌های شبه جزیره عربستان، کشورهای شمال و شمال غرب آفریقا تا صحرای غربی و مراکش اشاره کرد. هنوز هم در برخی از نواحی جغرافیایی سایر قاره‌ها مانند امریکا و اروپا، زندگی کوچ‌نشینی مبتنی بر دامداری شبانی وجود دارد که از آن جمله می‌توان به بقایای این نوع زندگی در اروپای مرکزی و شمال غربی (منطقه آلپ) و برخی از نواحی امریکای شمالی و جنوبی اشاره کرد. بررسی‌های انجام شده درباره عوامل طبیعی، سیاسی و اجتماعی – اقتصادی مؤثر در به‌وجود آمدن و تکوین الگوی زیست و معیشت عشایری مبتنی بر کوچ در قلمرو سرزمینی و فرهنگی اقوام و ایلات و عشایر مستقر در فلات ایران، حاکی از این است که این سبک زندگی متأثر از شرایط اقلیمی – جغرافیایی است. البته فرهنگ و اقتصاد معیشتی نیز در این نوع زندگی تأثیر و سهم خود را دارد.

از گذشته‌های بسیار دور تاکنون، متأثر از این وضعیت، اشکال متعدد و متنوعی از الگوهای زیست و معیشت مبتنی بر انواع مختلف دامداری روستایی و عشایری در اقصی نقاط ایران برقرار بوده و است.

ایلات وعشایر، سهم مهمی در تاریخ سیاسی ایران داشته‌اند(میزبان، 1391). براساس نتایج مطالعات سازمان برنامه و بودجه وقت در سال 1369، عشایر کوچنده کشور در حدود 60 درصد از عرصه سرزمینی کشور دارای قلمرو هستند. در حال حاضر نیز زندگی عشایری مبتنی بر کوچ در بخش زیادی از مناطق و استان‌های کشور جریان دارد؛ به‌طوری‌که براساس نتایج سومین سرشماری اجتماعی – اقتصادی عشایر کوچنده (سال 1387)، تعداد ۱،۱۸۶،۳۹۸ نفر جمعیت عشایری در قالب ۲۱۲،۷۷۲ خانوار، 104 ایل و 552 طایفه مستقل و 19840 کوچک‌ترین رده ایلی در 30 استان کشور استقرار دارند. با وجود اینکه در حال حاضر جمعیت عشایر کوچنده حدود 1,7 درصد جمعیت کشور را به‌خود اختصاص می‌دهد اما عشایر با تولید حدود 20 درصد از نیازهای انواع پروتئین حیوانی کشور، جزء مولدترین قشر از اقشار جامعه ایرانی به‌شمار می‌روند. افزون بر آن، نقش و جایگاه اجتماعی – فرهنگی عشایر در رخدادهای تاریخی و اجتماعی و فرهنگی کشور نیز دارای ارزش‌های فراوان است. همچنین از لحاظ اجتماعی –

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]

فرهنگی، مطرح بودن عشایر به‌عنوان حاملان و حافظان فرهنگ و ارزش‌های اصیل ایرانی – اسلامی نیز قابل توجه است (سازمان امور عشایر ایران، 1395).

مسکن یا خانه، مکان و کالبدی است که تأمین‌کننده دو رکن آسایش جسم و روان است. شکل‌گیری مسکن تابع عوامل و شرایط فرهنگی، اقلیمی، اقتصاد – معیشتی و تکنیک ساخت در جامعه استفاده کننده است. مسکن عشایر کوچ رو که سیاه چادر یا آلاچیق است، قابلیت جمع‌کردن و دوباره برپا کردن و همچنین به‌همراه بردن را دارد و تابع تمامی شرایط فوق به‌ویژه فرهنگ، معیشت، اقتصاد و فن ساخت آن جامعه می‌باشد. زیستن به شیوه کوچندگی و عشایری یکی از قدیمی‌ترین روش‌های زندگی بشری است که برای بهره‌برداری از منابع طبیعی و سازگاری با شرایط اقلیمی - جغرافیایی شکل گرفته است. در این شیوه زندگی، مسکن که یکی از مهم‌ترین ضروریات زندگی است به‌گونه‌ای سیار و قابل‌حمل به‌همراه این مردمان در حرکت و جابجایی بوده اما در مقاطع مختلفی به دلایل سیاسی، امنیتی، رفاهی، خدماتی و ... ، یکجانشینی و اسکان این قبایل، مورد نظر و اعمال قرار گرفته است (معینی، 1387). البته لازم به‌ذکر است که پروژه‌های یکجانشین کردن نتیجه‌ای به بار نداشته است و فرهنگ کوچندگی هنوز پابرجاست.

مسکن عشایر و نوع زندگی آن‌ها، زبان و موسیقی، غذاهای محلی، صنایع‌دستی، رقص و لباس‌های محلی به‌همراه آیین‌های محلی و جشن‌های عروسی از مهم‌ترین خصیصه و جاذبه‌های ایلات و عشایر است. بارزترین مشخصه ایلات و عشایر شیوه زیست آنان است که برخلاف یکجانشینان روستایی و شهری, نقل و انتقال سیاه چادرها (خانه‌ها) و رمه‌های خودشان به هنگام کوچ است.

سؤالات پژوهش

الف- اقوام و عشایر ایران از لحاظ فرهنگی، اجتماعی و جغرافیایی چه تفاوت‌هایی دارند؟

ب- انواع مسکن عشایر ایران به‌لحاظ تغییرات قومی، جغرافیایی چگونه است؟

ج- گستردگی عرصه جغرافیایی ایران چه تأثیراتی بر مسکن عشایری داشته است؟

ح- مسکن متناسب با زندگی غیر ساکن و متحرک چه ویژگی‌هایی دارد؟

خ- راه‌حل‌ها و تجربه تاریخی ایلات و عشایر ایران برای تأمین مسکن به چه نتایجی انجامیده است ؟

د- راهکارهای عملی و بومی برگرفته از الگوهای مسکن عشایر در مواقع بحران چگونه قابل استفاده هستند؟

روش تحقیق

پژوهش حاضر براساس هدف جزء پژوهش‌های کاربردی است و به‌صورت توصیفی – تحلیلی انجام‌گرفته است. روش تحقیق،کیفی و مبتنی بر مطالعات اسنادی و همچنین میدانی (زمینه‌ای) است. گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای صورت گرفته و ابزارهای به‌کار گرفته شده شامل مشاهده و مستندسازی از الگوهای مسکن بومی عشایر ایران به روش میدانی و با استناد به منابع مطالعاتی هستند.

چهارچوب نظری پژوهش

تعریف عشایر

واژه عشایر از ریشه عشیره گرفته شده است. در اصطلاح عرب، به گروه اجتماعی هم خویشاوند (پدر تبار) که معیشت آن‌ها بیشتر بر پرورش شتر و مبتنی بر کوچ (جابجایی) است، اطلاق می‌شود. عشیره و عشایر، اسم فارسی برگرفته از عربی به معنی خویشان، نزدیکان و تبار اهل خانه و ایل و طایفه و قبیله است. کوچ عشایر عبارت است از جابجایی و حرکت افراد و خانوارهای

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]

عشایری بین قلمروهای ییلاقی (سردسیر) و قشلاق (گرمسیر) که با هدف دسترسی به علوفه مرتعی تازه برای تعلیف احشام و دوری از گرما و سرمای شدید انجام می‌گیرد. کوچ عشایر معمولاً با شرکت همه افراد خانوار، باروبنه و سرپناه قابل حمل در قالب رده‌های ایلی و یا امروزه به‌صورت انفرادی و تک خانواری صورت می‌گیرد. کوتاه و بلند بودن مسیر کوچ، تغییری در مفهوم کوچ عشایر به‌وجود نمی‌آورد.

تاریخچه کوچ‌نشینی

مساکن عشایر از لحاظ گوناگون و در دسته‌بندی‌های مختلف به‌لحاظ چهار اقلیم متفاوت ایران و همچنین بر مبنای قومیت‌های مختلف شهری و روستایی مورد مطالعات قرارگرفته است. زندگی به شیوه عشایری همراه با کوچ یکی از قدیمی‌ترین روش‌های زندگی اجتماعی و شیوه‌های معیشت است که با پشت سر گذاشتن دوران فراز و فرودهای تاریخی تا به امروز ادامه پیداکرده است. همزیستی و تعامل با محیط زیست و کوشش مداوم، انطباق و سازگاری این شیوه‌ها، زندگی با شرایط و مقتضیات اقلیمی- جغرافیایی هر منطقه باعث شده است که شکل زندگی و معیشت، نظام کوچ و استقرار و بهره‌برداری از منابع محیطی، در بین گروه‌های عشایری اشکال مختلفی به‌خود بگیرد، برآورد شده است که بین 150-200 میلیون نفر در دنیا، زندگی شبانی داشته و براساس نظام گله‌داری مبتنی بر کوچ و بهره‌برداری بی‌واسطه از مراتع و سایر منابع محیطی زندگی می‌کنند. امروزه در پهنه بسیار گسترده‌ای از آسیای مرکزی، خاورمیانه و نوار شمالی آفریقا تا منتهی‌الیه غرب آن قاره و عرصه‌های برخی دیگر از کشورهای درحال توسعه و توسعه‌یافته اشکالی از شیوه زندگی مبتنی بر کوچ قابل مشاهده می‌باشد. ایران با میانگین بارندگی سالانه کمتر از 250 میلی‌متر(حدود یک سوم بارندگی دنیا) جزء مناطق خشک و نیمه‌خشک محسوب می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد که پایدارترین مدیریت زمین و بهره‌برداری از منابع این گونه نواحی، زندگی شبانی و دامداری مبتنی بر کوچندگی است. به‌همین جهت زندگی عشایری با کوچ از ییلاق به قشلاق و بالعکس به‌عنوان الگو برای سازگاری با تغییرات اقلیمی و بهره‌برداری از منابع طبیعی از عوامل اصلی پیدایش و تکوین زندگی کوچ‌نشینی است که از قدمتی چندین هزارساله در این مرز و بوم برخوردار است (اکبری،1383 به نقل از معینی، مهدی).

جمعیت عشایر کشور

تعداد ایلات مهم کشور 17 ایل است که عبارت‌اند از بختیاری، قشقایی، ایلسون (شاهسون)، ممیوند، بویراحمد سفلی، خمسه، قره‌داغ – ارسباران، بویراحمد علیا، بهمئی، ممسنی، کرد، طیبی، جلالی، جبال بارزی، ذلکی، بلوچ و افشار. بررسی وضعیت جمعیت عشایر کشور در چند دهه گذشته نشان‌دهنده کاهش نسبت جمعیت عشایر کشور در مقایسه با جمعیت کل کشور است. براساس اطلاعات منابع تاریخی، در سال 1245 هـ ش. حدود 38,6 درصد جمعیت کشور، عشایری بوده است. براساس آخرین سرشماری رسمی عشایر کشور که توسط مرکز آمار ایران صورت گرفته است نسبت جمعیت عشایر کشور به کل جمعیت به 1,68 درصد کاهش پیداکرده که این امر نشان‌دهنده کاهش نسبت جمعیت عشایر کشور است. تعداد جمعیت عشایر کشور از سال 1366 تا 1377 روندی رو به رشد داشته است. به‌عبارت دیگر، هرچند نسبت جمعیت عشایر در مقایسه با کل کشور کاهش یافته است (2,3 درصد کل کشور در سال 1366 و 2,1 درصد در سال 1377) اما تعداد جمعیت عشایری کشور از ۱،۱۵۲،۰۰۰ نفر به ۱،۳۰٤،۰۰۰ نفر در سال 1377

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]

افزایش یافته است که این امر نکته‌ای قابل‌تأمل است. البته در سرشماری سال 1387 این روند مجدداً برعکس 1377روبرو شده است (سازمان امور عشایر ایران، 1395).

حوزه	استان	ایل
غرب و جنوب کشور	آذربایجان غربی	جلالی، میلان خوی، میلان ماکو، شکاک، مامش، زرزا، پنیانشن، قره پاپاق
	کردستان	عشایر گوران، گلباغی، اورامانات، طوایف مریوان، طوایف سنندج، طواف بانه، طوایف سقز (عشایر کرد)
	کرمانشاه	کرد جاف، کلهر، قلخانی، سنجابی، گوران و کرند، ثلاث باباجانی، زنگنه، زوله (عشایر کرد)
	ایلام	ایل کرد (عشایر کرد)، ملکشاهی، ارکوازی، شوهان، خزل، روسگه و...
	لرستان، ایلام	بیرانوند، حسنوند، پاپی، دریکوند، سگوند، ذلکی، ممیوند
	چهارمحال و بختیاری	ایل بختیاری
	کهگیلویه و بویراحمد	ایلات بویراحمد (علیا، سفلی، گرمسیری)، بهمئی، طیبی، دشمن زیاری، چرام و بابوئی (باوی)، ممسنی
	فارس	ایل قشقایی (عشایر ترک)، اتحادیه ایلی خمسه شامل عشایرعرب، باصری، بهارلو، اینانلو و نفر، ایل سرخی، ایل ممسنی (عشایر لر و لک)
	خوزستان	عشایرعرب شامل آل قاطع، بروایه ، عچرش و دغاغله، کروشات و طویرات
شرق و جنوب شرق	کرمان، سیستان و بلوچستان و هرمزگان	افشار، جبال بارزی، بچاقچی، بلوچ، آئینه‌ای، سلیمانی، قرایی، آسیابر، خواجویی، برخوری، پشتکوهی، جازی، جاویدان، جبال بارزی، رائینی، مابکی، شکاری، شنبو، غربا، کامرانی، کمچی، کماچی سنجری، کوهشاهی، نرمی، ممنی، مهینی، لک بختیاری،
شمال غربی	آذربایجان شرقی، غربی، اردبیل و گیلان	ایل شاهسون، طوایف ارسباران (قره داغ) و طوایف خلخال، ایل میلان و ایل جلالی، اشکاک، زرزا، پیران، پنیانشین، سادات، قره پاپاق، مامش
شمال شرقی	خراسان، سمنان، مازندران و گلستان	سنگسری‌ها و طوایف الیکایی، احسانی و اعرابی، ایل افشار (ترک)، ایلات زعفرانلو (کرد) و شادلو و قاچورلو، ایلات تیموری، هزاره و طوایف بلوچ و سیستانی، ترکمن ها
مرکزی	زنجان	طوایف لر چگینی و غیاثوند؛ طایفه ترک شاهسون بغدادی و بقایایی از طایفه کلهر
	همدان	طوایف ترکاشوند، یارم طاقلو، جیمر(جمهور) و شاهسون
	تهران، قم، مرکزی	کله کوهی، کلهر، سنگسری، هداوند، شاهسون بغدادی و مغان

ج 1. توزیع ایلی و طایفه‌ای عشایر کشور در بخش‌های مختلف جغرافیایی (سازمان امور عشایر ایران، 1395).

حوزه‌های زیستی عشایر و انواع مسکن آن‌ها

به‌طور کلی نوع مسکن میان ایلات و عشایر را می‌توان به دو دسته دائمی و غیردائمی تقسیم کرد. خانه، مسکنی است که مصالح آن از چوب یا مواد بنایی مانند خشت و گل، آجر و سنگ و غیره است و بیش‌تر در نقاط قشلاق هر ایل یا دهکده‌هایی که از سوی ایلات مسکون برای تمام ایام سال بنا شده یافت می‌شود و جنبه دائمی دارند. چادر، نیز در میان بیش‌تر چادرنشینان عمومیت دارد و مناسب وضعیت زندگی آن‌ها است. چادرها را می‌توان در مدت کوتاهی از روی زمین برچید و بر شده است و جمعیت عشایری است که نسبت به سال با کاهش جمعیت به ۱،۱۸۶،۳۹۸ نفر رسیده پشت چارپایان برای بردن به ناحیه‌ای دیگر حمل کرد. طرح چادرها معمولاً یا دایره شکل و یا مستطیلی است. هر یک از ایلات و عشایر یاد شده، دسته‌ها و رده‌بندی‌های ایلی خاص آن منطقه را رعایت می‌کنند. آداب و رسوم و شیوه‌های زندگی هر یک از این اقوام با یکدیگر تفاوت‌های اساسی دارد که همه این تفاوت‌ها و گونه‌گونی‌ها سبب شده که ایلات و عشایر به‌عنوان جاذبه‌های دیدنی عصر تکنولوژی به‌شمار آیند (مرکز گردشگری علمی فرهنگی دانشجویان ایران، 1395).

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]

مسکن میان ایلات و عشایر	مصالح	سازه
خانه	چوب یا مواد بنایی مانند خشت و گل، آجر و سنگ و غیره	دائمی
سیاه چادر ، آلاچیق و گود گمه -اوی	در مدت کوتاهی از روی زمین قابل برچیدن و بر پشت چارپایان به ناحیه‌ای دیگر قابل حمل است. طرح چادرها معمولاً دایره شکل و یا مستطیلی است.	غیردائمی

ج 2. تقسیم‌بندی نوع مسکن میان ایلات و عشایر. (مأخذ: نگارنده).

ایلات و عشایر حوزه غرب و جنوب ایران

در حوزه غرب و جنوب ایران رشته کوه‌های زاگرس قرار دارد که استان‌های کردستان، کرمانشاه، ایلام، اصفهان، چهارمحال و بختیاری، کهکیلویه و بویراحمد و فارس را شامل می‌شود.



ت 1. سیاه چادر عشایر لرستان. (تهیه تصویر : نگارنده).

ایلات مشهور شکاک، مامش، زرزا و قره پاپاق در استان آذربایجان غربی و ایلات گلباغی، طوایف اورامانت، طوایف مریوان، طوایف سنندج، طوایف بانه، عشایر جوانرود، طوایف سقز و طوایف مستقل در محدوده استان کردستان و کرمانشاه پراکنده شده‌اند. در استان کرمانشاه کوچ‌نشینی هنوز رواج دارد و ایلات کرد جاف، کلهر، قلخانی، سنجابی، گوران و کرند در این منطقه پراکنده شده‌اند.

طوایف لرستان در یک تقسیم‌بندی به دو بخش لر و لک تقسیم می‌شوند که از نظر لهجه، سنن، آداب و رسوم و برخی مسائل مذهبی با یکدیگر تفاوت دارند. ایل بختیاری که در استان چهارمحال و بختیاری زندگی می‌کند بزرگ‌ترین ایل کوچنده کشور ایران است.

عشایر قشقایی نیز از مشهورترین ایلات کشور هستند.ایلات خمسه نیز که شامل ایل عرب، باصری، بهارلو، اینانلو و نفر است یک مجموعه ناهمگون است که پس از بختیاری‌ها و قشقایی‌ها سومین واحد دام داری متحرک ایران به‌شمار می‌آیند. عشایر عرب در جنوب غرب ایران ساکن هستند و از خصوصیات ویژه‌ای برخوردارند. عشایر عرب عمدتاً در محدوده استان خوزستان قرار دارند و از طوایف معروف آن‌ها می‌توان به بنی‌کعب و بنی‌طرف اشاره کرد.



ت 2. محل تهیه نان و پخت و پز ایلات لرستان. (تهیه تصویر : نگارنده).



ت 3. نمای بیرونی سیاه چادر عشایر چهارمحال و بختیاری.(برگرفته از سایت :http://www.jahanbinnews.ir).

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]

ایلات و عشایر حوزه شرق و جنوب شرق

در حوزه شرق و جنوب شرق کشور که بخشی از خراسان و سیستان و بلوچستان و کرمان و هرمزگان را در بر می‌گیرد، شرایط آب و هوایی خاصی حاکم است. در این حوزه تنوع و تضاد اقلیمی، شدید و درمجموع منطقه‌ای کم آب و کم باران با آب و هوی گرم کویری و اختلاف درجه حرارت چشمگیر در شبانه‌روز است.



ت 4. نمای بیرونی کپر عشایر بلوچستان. (برگرفته از سایت : http://www.kojaro.com).

عشایر بلوچ از مهم‌ترین ایل‌های ساکن در جنوب شرق ایران هستند. بیش‌ترین تراکم جمعیت عشایری این حوزه در امتداد کوهستان‌های مرتفع مرکزی کرمان (شهرستان‌های کهنوج، بافت، سیرجان، جیرفت و بم) دیده می‌شوند. بلوچ‌ها در مبارزه با طبیعت و اقلیم سخت و در اثر محدودیت منابع و فقر طبیعت، خصوصیاتی ویژه یافته‌اند که آنان را از عشایر مناطق دیگر متمایز می‌سازد.

ایلات و عشایر حوزه شمال غرب

حوزه شمال غربی ایران شامل سرزمین آذربایجان شرقی و غربی, اردبیل و بخشی از گیلان است که به‌دلیل کوهستانی‌بودن منطقه از تنوع آب و هوایی برخوردار است. در آذربایجان شرقی طوایف متعددی مانند ایل شاهسون زندگی می‌کنند.

ییلاق آن‌ها در کوهپایه‌های سبلان و قوشه داغ در پیرامون اهر و مشکین‌شهر است و طوایف ارسباران(قره داغ) و طوایف خلخال در کوه‌های طالش زندگی می‌کنند. قشلاق شاهسون‌ها و طوایف ارسباران, جلگه کم‌عمق مغان است و گرمسیر طوایف خلخال حاشیه رود قزل‌اوزن است. ایل میلان و ایل جلالی نیز در همین حوزه در منتهی‌الیه شمال غربی زندگی می‌کنند.



ت 5. فعالیت زنان عشایر در کنار آلاچیق ایل شاهسون اردبیل. (برگرفته از سایت : https://kalouttravel.com).

ایلات و عشایر حوزه شمال شرق

حوزه شمال شرقی ایران به‌دلیل وسعت زیاد از اقلیم متنوعی برخوردار است. ایلات و طوایف این حوزه مانند ایلات زعفران لو و شادلو و قاچورلو هستند. ایلات کرد زعفرانلو در شمال و شمال‌شرقی خراسان‌رضوی پراکنده شده‌اند.



ت 6. نمایی از گوت (سیاه چادر عشایر ایل سنگسر) در ییلاق دماوند. (برگرفته از سایت :https://fa.wikipedia.org).

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]

ایلات ترک افشار از منتهی‌الیه شمالی خراسان, درگز و کوهپایه‌های کپه داغ تا الله‌اکبر تا هزار مسجد ایلات ترک افشار و قره قویونلو و... کوچ می‌کنند. در مناطق تربت‌جام، تایباد و خواف، ایلات تیموری، هزاره و طوایف بلوچ و سیستانی زندگی می‌کنند. در حرکت به جنوب ایل بهلولی هستند که ییلاقشان در ارتفاعات بیرجند و قائنات است. ترکمن‌ها جذاب‌ترین عشایر منطقه شمال شرق ایران هستند. وجود عشایر ترکمن و آداب و رسوم جذاب آن‌ها سبب شده آن‌ها یکی از معروف‌ترین عشایر ایران پس از عشایر قشقایی باشند که گردشگران تمایل زیادی به بازدید از شیوه زیست و آشنایی با آداب و رسوم آن‌ها دارند.

ایلات و عشایر حوزه مرکزی

حوزه مرکزی ایران شامل استان‌های زنجان, همدان, سمنان, مرکزی , تهران و بخشی از مازندران می‌شود که ویژگی عمده آن‌ها نزدیکی به پایتخت است. این ویژگی سبب شده که کوچ‌نشینان این مناطق دارای خصوصیات اجتماعی, اقتصادی و روان‌شناختی متمایزی نسبت به دیگر عشایر باشند.



ت 7. چادر طوایف ترکاشوند (عشایر حوزه مرکزی). (برگرفته از سایت : http://kochashairiran.blog.ir).

طوایف لر چگینی و غیاثوند، طایفه ترک شاهسون بغدادی و بقایایی از طایفه کلهر در استان زنجان سکونت دارند. بقایایی از طوایف مختلف مانند کل کوهی و میش مستی و ... نیز در استان مرکزی در میان ساوه و استان زنجان زندگی می‌کنند. از نظر تعداد جمعیت، این ایلات دارای جمعیت بالای 2000 خانوار هستند.

الگوی زیستی

جنوتایپ‌که شاید بتوان آن‌را الگوی زیستی‌نامید به قوانین‌انتزاعی نهفته دریک فرم‌فضایی‌گفته می‌شود. این واژه‌ای است‌که در زیست‌شناسی‌کاربرد دارد. معنای کلی آن مجموعه اطلاعاتی است که در درون یک نوع یا "گونه" موجود وجود دارد و این اطلاعات درونی است که بر فرم شئ حکومت دارد (Hillier, 1984: p. 42). به‌وسیله الگوی زیستی‌گونه یا نوع با موجودات‌گروه خود درگذشته و آینده پیوند می‌یابد. تضمین زندگی و بقای آن وتشابهش با دیگری بستگی به این اطلاعات ژنتیک دارد و تکامل واستحکام آن و استمرار زندگی‌اش را عملی می‌نماید.

گونه زیستی یا الگوی‌زیستی پنهان در معماری نیز همان اطلاعات درونی است که در فضای معماری نهفته است. درفضای معماری روابط اجتماعی که از رفتار باشندگان و یا مصر ف‌کنندگان آن‌ها ناشی‌شده قابل بازشناخت می‌باشد.

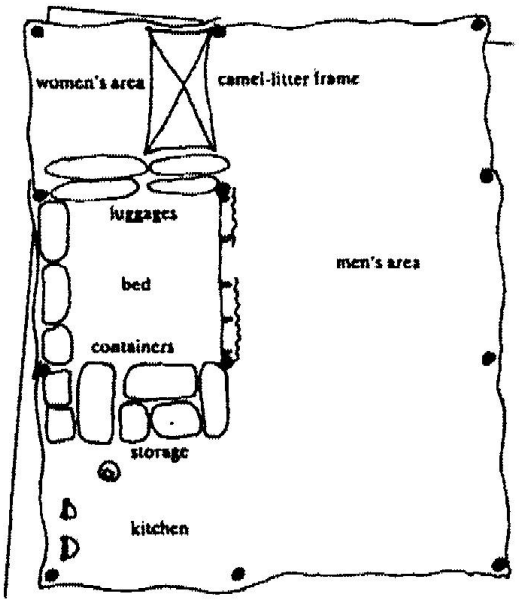
انواع پلان‌های مسکن عشایری

فرم و هندسه مسکن عشایر بر حسب نوع آن متفاوت است.

چگونگی بافت سیاه چادر

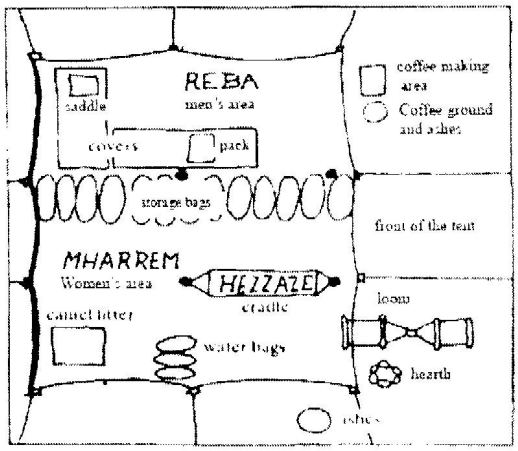
سیاه چادرهای عشایر، نماد طراحی درون‌زا برای معیشتی پایدار و استفاده‌ای بهینه از ظرفیت‌های بوم‌آورد و برای دستیابی به اهداف الگوی زیستی کارآمد کوچندگی بوده‌اند (پاپ زن و افشارزاده،1390، صص39-56). سیاه چادرها مختص مناطق گرم و خشک و دارای پلان و نمای مستطیل شکل هستند. هوای به‌شدت گرم زیر سقف چادر ، هوای خنک را به شکل تلمبه داخل می‌کشد(حیدری،1388).

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]



ت 8. پلان یک چادر کابابیش. (Lee Horne,1980 به نقل از سرتیپی‌پور، 1385).

تکه‌ای از سیاه چادر است. زنان «لت»ها را که به شکل یک نوار بافته شده‌اند، به‌وسیله دستگاهی سنتی در محل زندگی خود می‌بافند. عرض بین 40 تا 60 سانتی‌متر است و طول آن 6، 10 و یا 15 متر است.



ت 9. پلان تعیین محدوده‌های فعالیتی در یک سیاه چادر (Lee Horne,1980 به نقل از سرتیپی‌پور، 1385).

هر سیاه چادر از چند «لت» تشکیل می‌شود و هر «لت» نواری بافته شده از موی بز سیاه است. در حقیقت «لت» تکه‌ای از سیاه چادر است. زنان «لت»ها را که به شکل یک نوار بافته شده‌اند، به‌وسیله دستگاهی سنتی در محل زندگی خود می‌بافند. عرض بین 40 تا 60 سانتی‌متر است و طول آن 6، 10 و یا 15 متر است.

زنان پس از بافتن «لت»ها آن‌ها را از دو طرف به‌هم می‌دوزند تا کم کم به شکل سیاه چادر درآید.

از جمله ویژگی‌های سیاه چادر می‌توان به خواص فیزیولوژیکی موی بز اشاره کرد که برخلاف بقیه مواد در گرما منقبض و در سرما منبسط می‌شود و این به‌کاربرد ممتاز آن در سیاه چادر کمک کرده تا در تابستان منافذ سیاه چادر باز شده و هوای سیاه چادر خنک شود و در زمستان منافذ آن بسته شده تا از ورود سرما و باران جلوگیری شود.



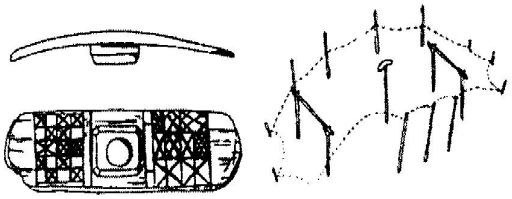
ت 10. نحوه قرار گرفتن تیرها و ستون‌های چوبی در چادرهای طوارق. (Couchaux,1980 به نقل از سرتیپی‌پور، 1385).



ت 11. فضای داخل چادر ایلات لرستان.
(تهیه تصویر : نگارنده).

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]

در بین ایلات و عشایر ایران سیاه چادرها با اندازه‌ها و شکل‌های متفاوت بافته می‌شوند.



ت 12. جزئیات پل چوبی روی ستون مرکزی چادر. (Couchaux,1980 به نقل از سرتیپی‌پور، 1385).

اتصال بندهای چادر به زمین تحت عوامل جغرافیایی محیط به دو صورت انجام می‌گیرد:

الف- در مناطق کوهستانی

چون در این مناطق خاک کم وجود دارد و در صورت وجود خاک، قشر آن نازک است بنابراین بندهای چادر را نمی‌توان به‌راحتی بر روی زمین نصب کرد و استفاده از میخ چادر امکان‌پذیر نیست. در این مناطق بند چادر به سنگ‌های کوهستان نصب می‌شود یا اینکه قطعات بزرگ سنگ را به نزدیک چادر آورده و در محل مناسب قرار داده و بندهای چادر را به آن نصب می‌کنند.

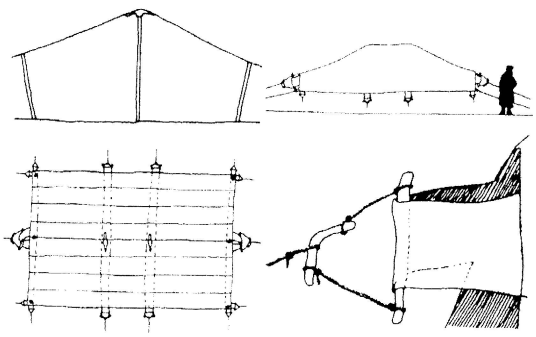


ت 13. محل نگهداری شیر، ماست و مواد غذایی(یخچال) چادر ایلات لرستان. (تهیه تصویر : نگارنده).

برای اتصال طناب چادر به سنگ از شاخه‌های جنگلی استفاده می‌شود. بدین ترتیب که شاخه‌ای از درخت را انتخاب و در محل اتصال شاخه‌ها به‌هم در جایی که دوشاخه ایجاد شده بند چادر را گره کرده و بقیه ساقه را به زیر سنگ می‌گذارند. به این شاخه‌ها و مجموع بند چادر و سنگ "هرکه" می‌گویند. در مناطق کوهستانی که فاقد جنگل باشد ، بندهای چادر را به دور سنگ محکم گره می‌زنند.

ب- در مناطق جلگه‌ای

در این مناطق بندهای چادر را به‌وسیله میخ‌های چوبی که به آن "می" می‌گویند محکم کرده و میخ چوبی را به زمین می‌کوبند. در بعضی مواقع در صورت وجود میخ طویله (مسمار) بند چادر را به حلقه این میخ‌ها بسته و سپس آن‌را در زمین کوبیده و بند را محکم می‌کنند.



ت 14. جزئیات نصب چادر سیاه. (Lee Horne,1980 به نقل از سرتیپی‌پور، 1385).

چگونگی بافت آلاچیق

آلاچیق‌ها معمولاً در مناطق سرد و کوهستانی ساخته می‌شوند و پلان به‌صورت دایره(مدور) و نما نیمکره است. آلاچیق از دو بخش تشکیل می‌شود. بخش بالایی (سقف آن) از موی بز بافته می‌شود. بخش دیگر دیواره جانبی است که چیق (یا چیت) نام دارد و از ترکیب نی و موی بز ساخته می‌شود. سقف در اصطلاح محلی دوار (davar) نامیده می‌شود و از موی بز سیاه و توسط زنان عشایر بافته می‌شود. موی بز خاصیت بسیار مطلوبی

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]

بـرای حفـظ آب در مواقـع بارنـدگی دارد و معمـولاً آب باران از جداره آن عبور نمـی‌کنـد همچنـین مـوی بـز در دسترس است و ارزان تهیه می‌شود. دیگر خاصیت مـوی بز سبک بودن آن است و نسـبت بـه چـادرهـای برزنتـی جمع‌آوری و حمـل آن راحـت‌تـر اسـت. در تابسـتان در روزهای آفتابی، استراحت کردن در زیـر ایـن آلاچیـق‌هـا لذت‌بخش است.

ساختمان آلاچیق شامل اسکلتی از چوب است که آن‌را با چند قطعه نمـد مـی‌پوشـانند اگـر نمـد برداشـته شـود آلاچیـق همچـون یـک قفـس چـوبی بـه‌نظـر مـی‌رسـد. چهـار نقطـه تـارم (tarem) و شصـت تـا هفتـاد قطعـه چوب‌های کمـانی شـکل کـه (اوق ug)نـام دارد و یـک قطعه دیگر به نام تونوک (tunuk) که گرد اسـت و بـالاتر از همه‌جا می‌گیرد اسکلت آلاچیـق را پدیـد مـی‌آورد. در ورودی آلاچیق دو لنگه است و در یک چهارچوب باز و بسته می‌شود. آلاچیق را معمولاً در زمینی بر پـا مـی‌کننـد که اندکی از زمین دور و برش بلنـدتر اسـت. بـرای برپـا کردن آن ابتدا دو تا از تارمی‌ها را که چهارچوب در بایـد بین آن دو کار گذارده شـود روی زمـین عمـود مـی‌کننـد و چهارچوب را به آن دو می‌بندند و بعد دو تارمی دیگـر آلاچیق را، به آن دو وصل می‌کنند تا دور اسکلت آلاچیق تکمیل می‌شود. آن وقت گرداگـرد ایـن چهـار تـارمی را بـا دو تکـه نـوار بـه نـام دور لـق یاقـا (Durlog yaxa) می‌بندند تا تارمی‌ها محکم به‌هم بند شـوند. دور لـق یاقـا نواری است جاجیم‌باف که درازایـش بـه انـدازه پیرامـون آلاچیق تکمیل می‌شود و اینک باید آن‌را با نمد بپوشـانند. نمدهایی که با آن آلاچیق را می‌پوشانند، چند قطعه است. آخرین قطعه نمدی که روی آلاچیق مـی‌اندازنـد سـرفک یا سرپک (serpek) نامیده می‌شود. سرپک به شکل دایـره اسـت و در حـدود دو متـر قطـر دارد کـه روی تونـوک را می‌پوشاند.



ت 15. آلاچیق عشایر ایل شاهسون اردبیل.
(برگرفته از سایت : https://kalouttravel.com).

دور سرپک هم ریسمان دوزی شده است ولـی معمـولاً فقط چند قطعه از آن ریسمان‌هـا را بـه اسـکلت آلاچیـق می‌بندند و ریسمان‌های دیگر را آزاد مـی‌گذارنـد کـه هـر وقت بخواهند بتوانند نیمی از سـرپک را از روی تونـوک کنار بزنند تا دود اجاق آلاچیق بیرون بـرود و یـا نـور بـه درون آلاچیق بتابد. وقتـی از پوشـاندن نمـدهای آلاچیـق فارغ شـدند دور آلاچیـق را بـا سـه قطعـه حصـیری کـه (قامیش gamic) نامیده می‌شود، می‌بندند. دو قطعه از این قامیش‌ها را که هریک هشت یا نه متر درازا دارد از یکسر به چهارچوب در و از سر دیگر در پشت آلاچیق بـه‌هـم می‌بندند درحالی‌که قطعه دیگر قامیش را کـه کوچـک‌تـر است در زیر آن دو در محل اتصال آن‌ها قـرار مـی‌دهنـد. بعد از این که آلاچیق را با قـامیش پوشـاندند چنـد مـیخ چوبی در دو طرف آلاچیق به زمین می‌کوبند و آلاچیق را با چند قطعه ریسمان به آن‌ها می‌بندند تا در برابر بادهـای شدید ایستادگی کنـد. بـرای اسـتقامت بیشـتر آلاچیـق در برابر باد جسـم سـنگینی را ماننـد یـک جـوال گنـدم یـا خورجینی پر از اشیاء، از ریسمانی که در وسط آلاچیق از

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]

تونوک آویخته شده است می‌آویزند. به‌علاوه یک تیرک چند متری هم که در وقت جابجا کردن نمدهای پوششی آلاچیق به‌کار می‌آید از توی آلاچیق و از سمتی که باد می‌وزد و به محل اتصال اوق به تارمی ضامن می‌کنند و سر دیگر آن‌را در سوی دیگر آلاچیق به پایین تارمی‌ها بند می‌کنند با این کارها آلاچیقشان در برابر شدیدترین بادها هم استقامت می‌کند و از جا کنده نمی‌شود. هیئت گنبدی شکل آلاچیق هم به این استقامت کمک می‌کند، زیرا می‌تواند جریان باد را برخلاف سطوح عمودی و با تحمل فشار کم از خود عبور بدهد. چنانچه بخواهند آلاچیق را به‌جای دورتری ببرند چهار قطعه تارمی را جمع می‌کنند و اوق‌ها را در دو بسته می‌پیچند و بر شتر یا یک ارابه بار می‌کنند (دادخواه، 1389). ورودی آلاچیق در جهت جنوب جغرافیای قرار دارد و بعد از ورود به داخل فضا، محل کندن کفش‌ها است. در بالای در ورودی قطعه چوبی به‌عنوان جالباسی(سیریق) وجود دارد. وسایل زندگی دورتادور و در کنار دیواره‌ها قرارگرفته و کلیه فعالیت‌ها در مرکز فضا است (شمالی ،1394).

چگونگی بافت کپرها

کپر در مناطق معتدل و مرطوب برپا می‌گردد، پلان آن به شکل دایره و نما نیمکره می‌باشد. مصالح رایج در ساخت این مساکن عموماً چوب، نی ، پشم بز و شتر است ولی المان‌های سازه‌ای متفاوتی جهت پایداری آن‌ها استفاده می‌گردد.

کَپَر نام گونه‌ای اقامتگاه سایه‌بانی در جنوب ایران و ازجمله منطقه شهرستان بستک و مناطق گرم در غرب استان هرمزگان است.

مردمان کوخرد و بخش کوخرد و روستاهای توابع و مناطق مجاور برای استراحت روزانه خود کپر می‌ساختند، مخصوصاً آن‌ها که در فصل تابستان و گرما به پشت رودخانه می‌رفتند و در نخلستان‌های خودشان در موسم ثمر نخل، چند ماه در آنجا می‌ماندند، چند کپر می‌ساختند یکی برای نشستن در سایه دیگری برای سایه‌بان ظرف آب و دیگری برای مطبخ همچنین در کنار زمین‌های کشاورزی خود و حتی به‌علت کمبود درآمد جهت ساخت خانه و منزل برای نشیمن و زندگی در آن کپر می‌ساخته‌اند.



ت 16. نحوه ساخت سقف کپر.
(برگرفته از سایت : http://www.halil.ir**).**



ت 17. مراحل ساخت سقف و دیوار کپر.
(برگرفته از سایت : http://www.halil.ir**).**

کپر از تنه نخل «مُوغ» و شاخه و برگ آن ساخته می‌شود. در زمان قدیم مردم دهستان کوخرد و منطقه اطراف آن برای استراحت روزانه در کنار زمین و نخل‌های خود کپر می‌ساختند. همچنین در کنار باغ‌ها برای انبار کردن پیاز و هندوانه و دیگر محصولات و برای حفظ آن‌ها از نور آفتاب از کپر استفاده می‌شده است

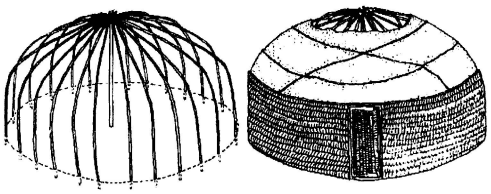
[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]

(محمدیان، 2003). کَپَر بیشتر در بین بختیاری‌های ساکن در روستاها دیده می‌شد. آنان در تابستان برای فرار از گرما و در جایی از روستا که بادگیرتر و خنک‌تر بود، آلونکی از چوب، نی یا بوته‌های علف درست می‌کردند که به آن کپر گفته و تا انتهای فصل گرما در آن زندگی می‌کردند.



ت 18. کپر ساخته شده و محوطه آن.
(برگرفته از سایت : http://www.halil.ir).

کَپَرهایی با دیوارهای کوتاه سنگی از انواع دیگر مسکن بختیاری‌ها در گرمسیر بود که سقف آن‌ها را با نی می‌پوشاندند. معدودی از بختیاری‌های روستانشین که صیفی‌کاری داشتند، کپرهایی در نزدیک باغ‌ها ساخته و فصل گرما را در آن به سرمی بردند.



ت 19. سازه و نمای یکی از انواع کپری.
(Hallet and Samizay,1980).

البته کپر در بین عشایر جنوب خوزستان اهمیت ویژه‌ای دارد و مضیف نوعی کپر است که برای پذیرایی از مهمانان احداث می‌شود.

مضیف

مضیف که سازه‌ای مقاوم با معماری پیچیده است در نزد قبایل عرب نشین خوزستانی جایگاهی مقدس برای مهمانان محسوب می‌شود.

مضیف در حقیقت بنایی است که عرب‌ها آن‌را تنها با استفاده از نی و بوریا برای میزبانی از مهمانانشان در خارج از محیط خانه می‌ساختند. در قدیم خانه بیشتر عرب‌های خوزستان مضیف داشت و ساخت خانه با نی از ویژگی معماری خانه‌های خوزستان در گذشته بوده است. اصل سازه مضیف روی حفاری چاله‌ای است که قرار است در آن قرار گیرد و ساخته شود. تنها افراد خاصی هستند که می‌توانند مختصات هندسی این چاله‌ها را تعیین کنند و آن‌را به‌صورت دستی و نه با بیل مکانیکی حفر کنند. هرچه چاله مورب‌تر باشد هلالی ستون‌ها و سقف بهتر شکل می‌گیرد. پس از کندن چاله و آماده‌سازی نی‌ها، به‌صورتی که پوسته آن‌ها باید جدا شود، نوبت به تثبیت ستون‌ها در گودال‌ها می‌رسد که آن‌را با ملات کاه‌گل محکم می‌کنند و برای هلالی کردنش روی هر ستون دو نفر بالا رفته و آن‌را شکل می‌دهند. پس از گذشت دو روز ملات ستون‌ها خشک می‌شود و نوبت به دیواره‌ها و سقف می‌رسد و سپس چیدمان وسایل داخلی آن با وسایلی چون فرش، متکاهایی برای تکیه زدن، منقل، صندوقچه، دله و فنجان‌های قهوه و سایر وسایل قهوه‌خوری و همین‌طور صنایع‌دستی محلی صورت می‌گیرد(عبدی فر، 1395).

بوریاها استحکام خوبی دارند و اگر از نور آفتاب و بارندگی فرسوده شوند، قابل مرمت هستند. اما فقط آتش به‌طور کامل آن‌را از بین می‌برد. در حال حاضر بزرگ‌ترین مضیف حصیری ایران در سوسنگرد خوزستان واقع شده است.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]



ت 20. بافت سازه اصلی مضیف.

(تهیه تصویر: نگارنده).

سنت ساخت مضیف در حالی رو به فراموشی قرار گرفته که این سازه برای خوزستانی‌ها نه حکم مهمانسرا بلکه خلاصه‌ای از فرهنگ یک قوم را به‌همراه دارد. اکنون افراد انگشت شماری هستند که به ساخت مضیف مشغول‌اند و در صورت نبود آن‌ها این سنت دیرین معماری برای همیشه از بین می‌رود. به گزارش CHN، با استناد به تاریخ و مراجع و متونی که در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود مضیف جزء سازه‌های کاربردی مردم مناطق سوسنگرد و شادگان به‌شمار می‌رفته است.

در ورودی مضیف هنگام ساخت باید رو به قبله باشد و ارتفاع در ورودی آن باید ارتفاع کمی داشته باشد و این هم به خاطر اینکه فردی که قصد ورود به مضیف را دارد در برابر کسانی که داخل نشسته‌اند خود را به نشانه احترام و ادب خم کرده و سپس وارد شود و از اولین شخصی که در کنار ورودی نشسته شروع به سلام و روبوسی می‌کند و سپس جایی برای نشستن خود تعیین می‌کند.داستان احیای این سازه اقامتی موسوم به مضیف که متعلق به روستای بردیه استان خوزستان است تا جایی پیش رفت که در کتاب "داستان‌های گردشگری" سازمان جهانی گردشگری ملل متحد (UNWTO) نیز به چاپ رسید و از این کتاب تحت عنوان " داستان من، جامعه من، آینده ما" در جریان بیست و یکمین نشست مجمع عمومی UNWTO رونمایی شد.

معماری و مهندسی ساخت مضیف به حدی پیچیده و سخت است که تنها اندکی از کهنسالان روستا از عهده ساخت آن برمی‌آیند.

بوریاباف‌ها که در حال حاضر به‌ندرت در منطقه یافت می‌شوند ستون‌ها و نی‌های استفاده شده در این سازه را از منطقه هورالعظیم آورده‌اند. ساخت مضیف که از نی و بوریا تشکیل شده هزینه‌ای بالغ بر 7 میلیون تومان دارد. به گفته اهالی بردیه این مضیف متعلق به نیاکان و اجداد آن‌هاست که احیای آن سبب احیای فرهنگ منطقه خواهد شد.



ت 21. نمای خارجی مضیف.

(تهیه تصویر: نگارنده).

ستون‌های مضیف باید فرد باشند. از 7 تا 17 ستون در مضیف به‌کار می‌رود. نبود مصالح ساختمانی و فراوانی نی و بوریا از ویژگی‌های آن است.

این سازه بیشتر در مناطق جنوبی خوزستان ودر مناطقی که نزدیک هور و مرداب‌ها و نخلستان‌ها می‌باشند یافت می‌شود و دلیل آن دسترسی به نی و حصیر است.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]

ردیف	قومیت عشایر	نوع مسکن	اقلیم مورد استفاده	ویژگی‌های سازگاری	مواد و مصالح مورد استفاده	فرم و هندسه مسکن	المان‌های سازه‌ای
1	عشایر شاهسون	آلاچیق (پذیرایی(مردانه) و مطبخ (زنانه))	سرد و کوهستانی	هماهنگی کامل با شرایط محیطی	چوب، نی، پشم بز	پلان: دایره(مدور) نما: نیمکره	چوبوق، چنبره، مهار بندی گره ضربدری
2	عشایر قشقایی، هزار مسجد، بختیاری و بلوچ	سیاه چادر	گرم و خشک	حمل آسان، قابلیت تغییر فرم در فصول مختلف	چوب، نی، پشم بز، سنگ	پلان و نما: مستطیل	کمج، لته، شیش
3	عشایر ترکمن	کپر	معتدل و مرطوب	برچیدن راحت، حمل و بارگیری معکوس	چوب، نی، پشم بز، پوست شتر	پلان: دایره (مدور) نما: نیمکره	توی نوک، اوق، تارم، قامیش

ج 3. ویژگی مساکن عشایر در حوزه‌های مختلف جغرافیایی ایران. (مأخذ: نگارنده).

ردیف	المان‌های سازه‌ای	نماد سازه	مورد استفاده در مسکن عشایر
1	چوبوق	تیرهای چوبی انحنا دار کمانی شکل	آلاچیق
2	چنبره	مهاربندی حلقه کروی چوبی سقف آلاچیق(کره گنبدی شکل چوبی با تیرهای کمانی شکل به‌صورت کام و زبانه درگیر)	
3	مهاربندی گره ضربدری	نوارهای پشمی طویل در پیرامون تیرهای چوبی کمانی شکل	
4	چسکی	میخ‌های چوبی بلند	
5	کمج	چوب‌های بلند صاف و در بالا دو تکه	سیاه چادر
6	چادر سیاه	پوشش سقف سیاه‌رنگ به پهنای یک متر و درازای 10 متر	
7	شیش	میخ‌های کوچک چوبی	
8	توی نوک	چوب دایره‌ای شکل در قسمت بالای سازه سقف	کپر
9	اوق	چوب‌های کمانی شکل بخش گنبدی سقف	
10	تارم	چوبه‌های بافت شده ضربدری در قسمت استوانه	
11	پوست شتر	بندهای پوستی برای مهاربندی تارم ها	
12	قامیش	حصیر از جنس نی دورتادور تارم	
13	چاله	گودال مورب برای تثبیت ستون‌ها با ملات کاهگل	مضیف
14	نی و بوریا	به‌عنوان ستون و پوشش دیواره‌ها و سقف	

ج 4. ویژگی مساکن عشایر در حوزه‌های مختلف جغرافیایی ایران. (مأخذ: نگارنده).

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]

نتیجه

مقایسه تطبیقی انواع و گونه‌ها در پدیده‌های مشابه، فعالیت‌ها، آثار مجسم، تکرار شونده و ریشه‌دار بشری سبب شناخت تفاوت‌ها، تمایزات و علل آن می‌گردد. آثار اجتماعی و تجسمی در مجموعه‌های تاریخی و فرهنگی مانند عشایر ایران دارای ارزش بررسی و الگو گیری است. سازگاری مسکن آنان با طرز زندگی و جغرافیای زیست شان کامل‌ترین نوع مسکن قابل‌حمل و متحرک را معرفی می‌نماید. لذا با توجه به نیاز به مسکن متحرک و غیردائمی در عرصه‌های گسترده، این مهم شایسته پژوهش و بررسی بیشتر است. همچنین این مسئله در رابطه با نیاز به مسکن موقت و غیر دائم در بحران‌های طبیعی، اجتماعی و مشابه دیده می‌شود. با مطالعه و مشاهده مسکن عشایر ایران با وجود شباهت‌های کلی تفاوت‌های شکلی و تزییناتی به چشم می‌خورد. آنچه در این میان قابل‌تأمل است و موضوع را بیشتر اهمیت می‌دهد ویژگی‌های مشترک و اصول پایداری این‌گونه از مساکن در طول تاریخ است. رعایت اصولی از قبیل سازگاری بالا با محیط، سهولت جابجایی و اجرا سرعت کار، استفاده از مصالح بومی و ... از نکات اصلی و مشترک در گونه‌های مختلف مسکن عشایری است.

در رابطه با پلان مسکونی عشایر قابل‌مشاهده است که مسکن دارای یک هسته مرکزی به‌عنوان لایه درونی و اصلی خانه می‌باشد و در محدوده (محیط) این لایه اصلی، حوزه فعالیتی به‌عنوان حیاط در لایه بعدی با ابعاد پنهان و نامریی جهت فعالیت‌های جنبی قرار دارد. باوجود عدم استقرار و تعبیه موانع فیزیکی و ظاهری مانند دیوار، آلاچیق، سنگ‌چین و غیره این بعد پنهان برای ساکنین و همسایگان کاملاً آشنا و محسوس بوده و رعایت می‌گردد این لایه به‌عنوان حریم نامریی خانه عملکرد قوی و مؤثر خود را دارد.

همچنین مطالعات صورت گرفته در رابطه با پلان و فضای داخلی مسکن عشایر گویای این مطلب است که علیرغم عدم وجود تقسیم‌بندی داخلی، فضای داخل خانه (چادر یا کپر یا اوبه) به‌لحاظ معنایی و حتی کاربردی و عملکردی، دارای عرصه‌های متفاوت و خاص خود هستند. با تکیه بر اهمیت بررسی مسکن عشایری چند نتیجه قابل‌توجه حاصل می‌گردد.

نکته اول این‌که فضای خانه با تجمیع و گرد هم آوردن عملکردهای مختلف آن در یک فضا، می‌تواند چند عملکردی باشد. پایداری زندگی و زیست در این حالت نیز تداوم می‌یابد. تجربه تاریخی زندگی عشایر و ایلات ایران این موضوع را اثبات می‌کند. زندگی موقت و یا دائم در سوئیت‌های امروزی نیز می‌تواند در تداوم این شیوه طراحی و ساخت، تبیین و تفسیر گردد.

نکته دوم آنکه قراردادهای نانوشته اجتماعی، خانوادگی و فرهنگی می‌تواند در نوع خانه مؤثر باشد و آن‌را به‌سوی سادگی و یکپارچگی سوق دهد. چه‌بسا این مسئله ضرورتی تام برای آسان شدن حمل مسکن باشد و از آنجا با تکرار و تداوم به فرهنگ تبدیل و یا وارد شده باشد یا برعکس این فرهنگ امکان کوچ‌نشینی را داده و امکان برخورداری از امکانات طبیعی و مطلوب عرصه گسترده‌ای از لحاظ زیستی و اقتصادی فراهم آورده است.

نکته سوم این است که با هماهنگی فرهنگی و کالبدی در خانه ، طرح و شکل خانه انعطاف‌پذیر گشته و سازگاری حداکثری با محیط پیدا می‌کند.

از سوی دیگر مطالعه و بررسی در رابطه با مشابهت‌های خانه‌های عشایری نشان می‌دهد که

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]

خانه‌های عشایر بلوچ و شاهسون نسبت به خانه‌های عشایر قشقایی و یا بختیاری پوشیده‌ترند، به‌عبارت دیگر ایزوله‌تر هستند، این امر می‌تواند به شرایط حاد اقلیمی هر دو گونه فوق مربوط باشد. با این توضیح که در سیستان و بلوچستان شرایط از لحاظ گرمای شدید و در آذربایجان نیز از لحاظ سرمای شدید در زمستان و شب‌ها حاد است؛ لذا این امر موجب پوشیده شدن این خانه‌ها شده است. این پوشیدگی در مقایسه با مسکن بختیاری و قشقایی که به‌صورت سیاه چادر است و در خیلی از مواقع قسمت پائین‌تنه آن باز است، قابل‌توجه می‌باشد. با این توضیح که مسیر کوچ و یا جغرافیای کوچ عشایر بختیاری از جنوب شیراز به طرف بوشهر و جنوب کشور است که در زمستان هم (قشلاق) هوای ملایمی دارد و در تابستان به طرف چهارمحال و بختیاری کوچ می‌کنند که هوای نسبتاً ملایمی دارد.

فهرست منابع

- اکبری، علی، 1383. پیشگفتار، مجموعه مقالات همایش ملی ساماندهی جامعه عشایر ایران، جلد اول ، صص8-1 .

- امانپور، محمدتقی، 1391. "نقش فرهنگ و مدیریت جهادی درتحقق جهاد اقتصادی به‌منظور توسعه فرهنگی اجتماعی جامعه عشایری"، فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب، شماره 57، صص79-100.

- پاپ‌زن، عبدالحمید، افشارزاده، نشمیل، 1390. " دانش بومی زنان عشایر کلهر در زمینه سیه مال، سازه پرتابل ایل"، نشریه زن در فرهنگ و هنر، دوره سوم، شماره دوم، صص39-56.

- دادخواه، سعداله، 1389. وجود کوچ نشینان ترکمن وکرد، برگرفته از سایت:

http://geo-turkmensahra.persianblog.ir/pages//4

- سازمان امور عشایر ایران، برگرفته از سایت:

http://www.ashayer.ir/index.aspx?siteid=1&pag - eid=162

- سرتیپی‌پور، محسن، 1385. مسکن روستایی در کشورهای مسلمان آفریقایی، نشریه علمی پژوهشی مسکن و انقلاب، شماره 115.

- سرتیپی‌پور، محسن، 1385. مسکن روستایی در عربستان، عمان، عراق و سوریه، نشریه علمی پژوهشی مسکن و انقلاب، شماره 116.

- شمالی، آتوسا، 1394. "تحلیلی بر زندگی ترکمن از اوی تا خانه (با بررسی خانه‌های شهر گمیشان)، کنفرانس بین المللی عمران، معماری و زیرساخت‌های شهری، تبریز.

- عبدی‌فر، نرگس، 1395. براساس مستندات ساخت مضیف مربوط به هزاره سوم ق.م در سرزمین بین النهرین و متعلق به قوم سومری، برگرفته از سایت:

http://shaparakdaily.ir/shaparak/News.aspx?NID =85021

- حیدری، شاهین، 1388. " در جستجوی هویت شهری ایلام"، وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعات و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، تهران.

- محمدیان، کوخردی، محمد. به یاد کوخرد ج2. چاپ اول، دبی: سال انتشار 2003 میلادی.

- معینی، مهدی (1387)، مطالعه روند شکل‌گیری مسکن در تازه آبادهای عشایری(تازه آباد گل افشان سمیرم، اصفهان)، نشریه هنرهای زیبا، شماره 33، صص 47-56 .

- میزبان، مهدی ، 1391. "بررسی عوامل مؤثر در تعامل مناسب بین فرهنگ و مدیریت جهادی با جامعه عشایری"، فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب، شماره 57، صص 133-154.

- معماریان، غلامحسین و علی طبرسا محمد،1392. گونه و

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]

گونه‌شناسی معماری، نشـریه علمـی-پژوهشـی انجمـن علمـی معمـاری و شهرسـازی ایـران شـماره 6 پـاییز و زمسـتان 13، صص 114-103.

- مرکز گردشـگری علمـی فرهنگـی دانشـجویان ایـران، 1395، عشایر و کوچ نشینان ایران، برگرفته از سایت مهر میهن.

- ناری قمی، مسـعود، دامیـار، سـجاد، 1391."رویکردهـایی بـه معماری بومی در نظریه پردازان مدرن معماری"، نشـریه شـهر و معماری بومی، شماره سوم.

- Oliver, Paul, Dwellings, .2003. "The Vernacular House Worlds Wide". New York: Phaidon Press.

- Memarian Gh. (1998), House Tyoplogy in Iran, (Ph.D. Thesis), Manchester, U.K.

- Moudon, A. V.: (1994), 'Getting to Know the Built Landscape: Typo morphology', in K. E. Frank and L. H.

- Orhun. D, Hillier. B, Hanson. J, 'Spatial Types in Traditional Turkish Houses', Environment and planning .B: Planning and Design, 1995, vol.22 (No. 4), pp. 498-475.

- Hallet, Stanley Ira and Rafi Samizay,Traditional Architecture of Afghanistan (New York, Garland STPM press,1980).

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-10]